

## مشارکت اجتماعی زنان\*

زاله شادی طلب\*\*

چکیده: متخصصان توسعه «کنترل شهروندی» را عالی‌ترین سطح و نوع مشارکت تشخیص داده‌اند. در این‌گونه مشارکت، مردم در تصمیم‌گیری‌هایی که زندگی روزانه آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد دخالت می‌کنند. مسئله مهم در تحقق چنین مشارکتی شناخت متغیرهایی است که موفقیت مردم (زنان و مردان) را در کنترل امور جامعه تضمین می‌کند. شناخت انواع مشارکت اجتماعی زنان و عوامل مرتبط با آن هدف این مقاله است که بر پایه یافته‌های پژوهشی در شهر تهران تدوین شده است. در مدل تحلیلی پژوهش، از نظریه‌ها و مطالعات تجربی پیشین کمک گرفته شده است. در مجموع، شش نوع مشارکت: مدنی، حمایتی، فرهنگی-تفریحی، محلی، مذهبی-خیریه‌ای و شرکت در فعالیت‌های انقلابی شناخته شده است. میانگین مشارکت مدنی پایین‌تر و میانگین مشارکت مذهبی-خیریه‌ای بالاتر از سایر انواع مشارکت است. به طور کلی، میزان مشارکت اجتماعی زنان شهر تهران در سطح پایینی قرار دارد.

واژه‌های کلیدی

زنان، مشارکت اجتماعی

\* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مشارکت اجتماعی زنان است که در زمستان ۱۳۸۱ در مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران انجام شده است.

jshadi@yahoo.com

\*\* دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

## مقدمه

پدیده مشارکت، به معنای همکاری، نخستین رفتار اجتماعی است که از انسان سر زده است (هوین کائوتوری<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲: ۹)، اما گستردگی و عمق مفهوم مشارکت، امروزه دسته‌بندی و تعیین انواع آن را ناگزیر می‌سازد. برخی از نظریه‌پردازان اجتماعی انواع مشارکت را چنین دسته‌بندی کرده‌اند:

مشارکت اجتماعی نخستین: این مشارکت در شکل گفت‌وگو با مردم است. این نوع مشارکت قرن‌ها از سوی رهبران مذاهب و طرفداران انواع ایدئولوژی‌ها برای جلب مردم به کار رفته و دربرگیرنده تمامی مشارکت‌های افراد برای اعمال و مناسک موردنظر بوده است. چنین مشارکت‌هایی را مشارکت‌های آیینی نیز می‌توان نام نهاد.

مشارکت اجتماعی رفتارگرایانه یا مشروط: این مشارکت به نوعی از مشارکت‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که در پی بسیج اجتماعی از راه به‌کارگیری روش‌های روان‌شناسی اجتماعی و کاربرد رسانه‌ها و سازوکارهای فرهنگی برای جلب همگان به مشارکت است.

مشارکت اجتماعی انسجام‌گرا: این مشارکت در شکل اتحادیه‌ها و انجمن‌ها تحقق می‌یابد و بر پایه ادغام اجتماعی و فرهنگی و جامعه‌پذیری فرهنگ مشارکت‌جویانه پیش می‌رود.

مشارکت اجتماعی برای توسعه: این نوع مشارکت را فرایندی اجتماعی، جهانی، تام و تمام، چندبعدی و چندفرهنگی تلقی می‌کنند و افراد را در آن برای توسعه ملی به مشارکت می‌خوانند (پیران، ۱۳۷۶: ۲۸-۲۷).

متخصصان توسعه «کنترل شهروندی» را عالی‌ترین سطح و نوع مشارکت تشخیص داده‌اند. در این‌گونه مشارکت، مردم در تصمیم‌گیری‌هایی که زندگی روزانه آنها را تحت

تأثیر قرار می‌دهد دخالت می‌کنند. با این ویژگی، حکومت‌های محلی و شوراهای نمونه‌هایی واقعی از این نوع مشارکت هستند (جباری، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۲). مسئله مهم در تحقق چنین مشارکتی در جریان توسعه اجتماعی، شناخت متغیرهایی است که سطح و میزان موفقیت مردم را در کنترل امور جامعه تعیین می‌کنند (گیخت<sup>۱</sup> و میراکال شاه<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸: ۱؛ مگونایر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶: ۲۹-۳۰). آیا فرایند تاریخی جامعه، سطح تکامل فرایند تولید، تکامل فرهنگی جامعه و نظام ارزشی اجتماع تعیین‌کننده میزان موفقیت شهروندان در کنترل امور جامعه است؟ آیا ابتدا ضرورت دارد شهروندان انواع دیگر مشارکت را تجربه کنند تا به عالی‌ترین سطح مشارکت برسند؟ آیا مشارکت‌هایی مانند گفت‌وگو با مردم پایه‌های بنیادی مشارکت شهروندی است؟ آیا زنان و مردان برای اعمال «کنترل شهروندی» باید به تکامل ذهنی خاصی دست یافته باشند؟

این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگری از این دست، موضوعاتی بسیار پیچیده و تخصصی‌اند که پژوهش‌های بسیاری را می‌طلبند. این مقاله درصدد ارائه بخشی از یافته‌های پژوهشی است که به جنبه محدودی از موضوع مشارکت اجتماعی زنان می‌پردازد و سعی دارد با هدف شناخت چگونگی مشارکت اجتماعی زنان به دو پرسش پاسخ دهد:

۱. انواع مشارکت اجتماعی زنان در ایران کدام است؟
۲. زنان چه عواملی را با نوع مشارکت خود مرتبط می‌دانند؟

## مدل تحلیلی

مروری بر مهم‌ترین نظریه‌هایی که با پدیده مشارکت به طور عام و مسئله مشارکت

---

1. Guijt  
2. Meera Kaul Shah  
3. Maguire

اجتماعی زنان به طور خاص مرتبط هستند (لاین‌بری<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹؛ ویلسون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰؛ میدگلی<sup>۳</sup>، ۱۹۶۲؛ لیپست<sup>۴</sup>، ۱۹۶۸؛ وی<sup>۵</sup> و هیزر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۵) نشان می‌دهد که عوامل متعددی با این کنش اجتماعی مرتبط است و مدلی که بتوان از آن به عنوان مدلی کامل برای تبیین مشارکت اجتماعی زنان استفاده کرد وجود ندارد. البته این بدان معنی نیست که امکان طرح هیچ مدل ادراکی وجود ندارد. در چنین شرایطی، پژوهشگران می‌توانند از چارچوب نظری موجود، با علم به جهانشمول نبودن آن و وجود نقدهای احتمالی، استفاده کنند یا با توجه به شرایط فرهنگی هر جامعه و استفاده از دانش موجود و تجربیات سایرین، به طراحی مدلی جدید و سازگار با مسئله پژوهش بپردازند. به یقین روش دوم نیز مشکلات خود را دارد زیرا با حجم زیادی از شاخص‌سازی‌های حساس به شرایط فرهنگی خاص زنان و همچنین گردآوری اطلاعات روبه‌روست. ولی در عین حال خود می‌تواند پایه‌گذار یک مدل تبیین مشارکت اجتماعی زنان باشد تا در صورت آزمون‌های مجدد در سایر نواحی کشور و شناخت قابلیت‌های آن، به طرح نظریه‌ای خاص مشارکت اجتماعی زنان ایران بینجامد.

از این رو، در این پژوهش سعی شده است تا با ارائه مدلی تبیینی، مشارکت اجتماعی زنان در حکم پدیده‌ای با شبکه مناسبات و روابط پیچیده حاکم بر آن، در قالب متغیری وابسته و مرتبط با عوامل گوناگون، بررسی شود.

در الگوی نظری پژوهش، مشارکت اجتماعی زنان تحت تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای متعامل، که در پنج گروه مستقل و در عین حال مرتبط با یکدیگر هستند، دیده شده است:

- 
1. Lineberry
  2. Wilson
  3. Midgeley
  4. Lipset
  5. Wee
  6. Heyzer

گروه نخست متغیرها ویژگی‌های فرهنگی-ارزشی زن نامگذاری شده است و دربرگیرنده متغیرهایی است که در رفتار مشارکت اجتماعی تأثیر می‌گذارند. این متغیرها عبارت‌اند از: نظم‌گرایی، جمع‌گرایی و میل به کار گروهی، نوظذیری، تقدیرگرایی و عدالت‌جویی.

گروه دوم متغیرها ویژگی‌های خانوادگی زن را مطرح می‌سازد که در تمایلات وی به مشارکت اجتماعی و رفتار مشارکت اجتماعی تأثیرگذارند. این متغیرها شامل پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده، میزان پابندی خانواده به سنت‌ها، نقش زن در تصمیم‌گیری‌ها، بعد خانواده (تعداد فرزندان) و میزان انسجام خانوادگی است.

گروه سوم متغیرها شامل عوامل جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی نظیر سن، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، وضعیت تأهل، مدت اقامت در شهر، سابقه مشارکت و میزان استفاده زن از رسانه‌هاست. این گروه از عوامل متغیرهایی هستند که به طور گسترده‌ای تعیین‌کننده فرصت‌های رسیدن زن به موفقیت و رضامندی در زندگی‌اند. همچنین بر استفاده بهینه زنان از فرصت‌ها و وسایل نهاده شده برای نیل به هدف‌های فرهنگی و انطباق با قواعد رفتار اجتماعی اثرگذارند.

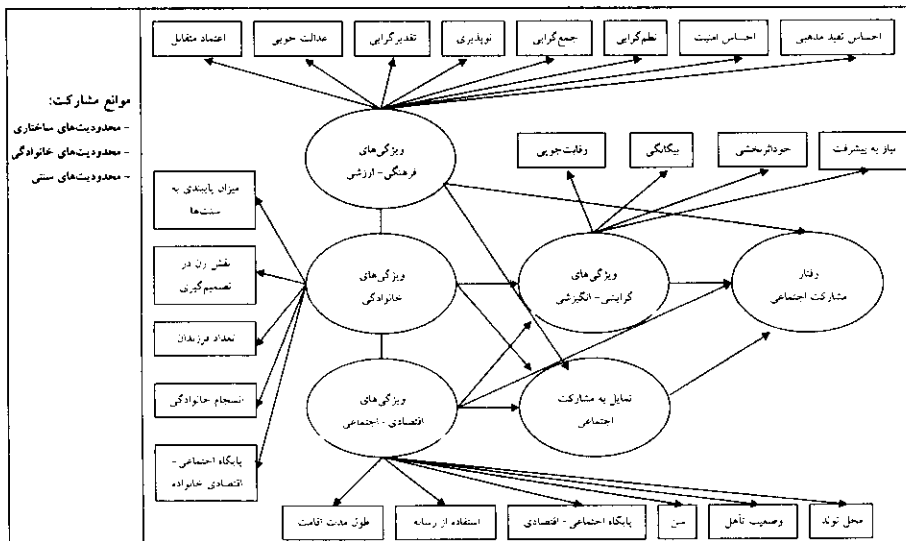
گروه چهارم متغیرها عبارت است از متغیرهای گرایش-انگیزی که شامل رقابت‌جویی، از خودبیگانگی، خوداثربخشی و نیاز به پیشرفت است.

گروه پنجم متغیرها عمدتاً تمایل فرد به مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهد و بر تمایلات اولیه و آمادگی روانی برای عمل واقعی مشارکت (شرکت در فرایندهای اجتماعی) دلالت دارد.

بدیهی است که تحقق رفتار مشارکتی، از جمله رفتار مشارکت اجتماعی، در زمینه‌های شامل موارد قانونی، عرفی، مکانی، زمانی و اقتصادی صورت می‌گیرد. این زمینه‌ها همچنین نشان‌دهنده محدودیت‌ها و موانع مشارکت اجتماعی زنان‌اند و می‌توانند تمایل به مشارکت یا تحقق رفتار واقعی مشارکت را تحت تأثیر قرار دهند.

- بدین ترتیب فرضیه‌های پژوهش در چارچوب مدل تحلیلی پژوهش (نمودار ۱) براساس عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی در پنج گروه متغیر مستقل به شرح زیر است:
- به نظر می‌رسد ویژگی‌های فرهنگی-ارزشی زنان با رفتار مشارکت اجتماعی آنان مرتبط است.
  - به نظر می‌رسد ویژگی‌های خانوادگی زنان با رفتار مشارکت اجتماعی آنان مرتبط است.
  - میان ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی زنان و رفتار مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.
  - میان ویژگی‌های گرایش-انگیزشی زنان و رفتار مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.
  - تمایل به مشارکت اجتماعی با ویژگی‌های خانوادگی، فرهنگی-ارزشی و اقتصادی-اجتماعی زنان و همچنین با رفتار مشارکتی آنان رابطه دارد.

نمودار ۱. مدل تحلیلی پژوهش: عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی



## روش

پژوهشی که این مقاله براساس بخشی از یافته‌های میدانی آن تدوین گردیده از نوع پژوهش‌های کاربردی است که با تلفیق دو روش کتابخانه‌ای و پیمایشی انجام شده است.

ابزار مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه و جامعه مورد بررسی، زنان ۱۵ساله و بیشتر ساکن شهر تهران بوده است. براساس اندازه‌های آماری ۶ متغیر مرتبط با رفتار مشارکتی زنان، شامل ۱. میزان باسوادی، ۲. نسبت باسوادان با تحصیلات عالی، ۳. میزان واقعی فعالیت، ۴. نسبت زنان خانه‌دار و محصل، ۵. نسبت خانوارهای زن سرپرست و ۶. نسبت زنان خانه‌دار، با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با توزیع سهمیه‌ای در مناطق ۲۲گانه شهر تهران، حجم نمونه‌ای معادل ۱۵۰۰ زن ۱۵ساله به بالا انتخاب شدند.

برای سنجش هریک از گروه‌های متغیر مستقل در فرضیه‌های کلی پژوهش، که خود شامل متغیرهای متعددی هستند، گویه‌های متناسب طراحی و، با آزمون‌های آماری لازم، مقیاس واحدی ساخته شد. نتایج آزمون اولیه پرسش‌نامه، همراه با مصاحبه‌های هدایت‌شده با تعدادی نمونه تصادفی از زنان شهر تهران، موجبات تکمیل مدل تحلیلی پژوهش را براساس نظرها و موقعیت‌های زنان در شهر تهران فراهم آورد.

پرسش‌نامه نهایی شامل ۶۰ متغیر (جدول ۱) است. این متغیرها در سه قالب متغیرهای وابسته، متغیرهای مستقل و متغیرهای زمینه‌ای قرار می‌گیرند. منظور از متغیر وابسته تغییری است که هدف غایی این مطالعه شناخت حدود و تغییرات و عوامل و موانع آن در میان جامعه آماری است. بدین ترتیب، ۷ متغیر میزان مشارکت اجتماعی، انقلابی، مدنی، حمایتی، فرهنگی- تفریحی، محلی و مذهبی- خیریه‌ای متغیر وابسته پژوهش محسوب می‌شوند. در این مطالعه، به ۳۷ متغیر مستقل توجه شده است. همچنین متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، نسبت با سرپرست خانوار، وضعیت تأهل و میزان

تحصیلات که ویژگی‌های مشخصی هستند به شناخت دقیق‌تر سطوح گوناگون متغیرهای وابسته و مستقل کمک می‌کنند. این ۱۶ متغیر زمینه‌ای در سه گروه ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اقتصادی-اجتماعی دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۱. متغیرهای مطالعه و تعاریف عملیاتی آنها

حوزه	محور	متغیر	نوع متغیر	تعریف عملیاتی
ویژگی‌های کلی		نسبت با سرپرست خانوار	زمینه‌ای	تقسیم افراد برحسب گروه‌های سرپرست، همسر، فرزند و سایر بستگان سرپرست خانوار
		وضعیت تملک محل سکونت	زمینه‌ای	تقسیم محل مسکونی افراد برحسب ملک، اجاره‌ای، بلاعوض، سازمانی و سایر
		منطقه محل سکونت	زمینه‌ای	مناطق شهری تهران از ۱ تا ۲۲
		سواد و تحصیلات	زمینه‌ای	گروه‌بندی افراد بین بی‌سواد تا دارای تحصیلات دکتری
		وضعیت فعالیت	زمینه‌ای	تقسیم افراد در گروه‌های شاغل، بیکار، محصل، خانه‌دار و دارای درآمد بدون کار
		وضعیت شغلی	زمینه‌ای	تقسیم افراد در گروه‌های کارفرما، کارکن مستقل، فرد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی و عمومی و تعاونی و کارکن فامیلی بدون مزد
		گروه شغلی	زمینه‌ای	تقسیم افراد در گروه‌های مشاغل عالی، تخصصی، متوسط و پایین



گرایش به جمع گرایی، نظم گرایی و ارزش های عالی و فرامادی نظیر حفاظت از محیط زیست	مستقل	اخلاق مدنی	ویژگی های شخصیتی	ویژگی های فرهنگی - ارزشی
تغییر دیدگاه ها و اولویت های افراد نسبت به نسل گذشته در امور ازدواج، اشتغال و...	مستقل	نوپذیری		
باور به وجود نیروهای خارج از اراده فردی در تعیین امور و برنامه های زندگی	مستقل	تقدیرگرایی		
باور به ضرورت تلاش برای رفع تبعیض بین زنان و مردان در جامعه	مستقل	عدالت جویی		
باور به نگرش های سنتی و تقسیم کار جنسیتی در امور خانوادگی و اجتماعی	مستقل	نگرش جنسیتی	نگرش جنسیتی	
خوش بینی و اطمینان خاطر نسبت به رفتار و عملکرد زنان و مردان و اعتقاد به عملکرد غیر مغرضانه	مستقل	اعتماد جنسیتی	اعتماد متقابل	
خوش بینی و اطمینان خاطر نسبت به رفتار و عملکرد دیگران نظیر مسئولان و مردم کوچه و بازار	مستقل	اعتماد به دیگران دور		
خوش بینی و اطمینان خاطر نسبت به رفتار و عملکرد دیگران نظیر خانواده اصلی و دوستان و آشنایان نزدیک	مستقل	اعتماد به دیگران نزدیک		
احساس آرامش خاطر و نداشتن ترس و نگرانی از رفتار مردان در محل های عمومی نظیر کوچه و خیابان	مستقل	امنیت در محیط های عمومی	احساس امنیت	
احساس آرامش خاطر و نداشتن ترس و نگرانی از رفتار مردان در مکان های محیطی نظیر غذاخوری و مهمانی	مستقل	امنیت در محافل جمعی مختلط	امنیت	

ارزشی ویژگی های فرهنگی-	احساس امنیت	امنیت در مجامع رسمی	مستقل	احساس آرامش خاطر و نداشتن ترس و نگرانی از رفتار مردان در مجامعی نظیر دفاتر قضایی و انجمن های اسلامی
	احساس تقید مذهبی	احساس تقید مذهبی	مستقل	ارزیابی فرد از میزان اعتقاد و تقید به امور مذهبی به صورتی کلی
ارزشی ویژگی های خانوادگی	میزان پابندی به سنت ها	موقعیت اقتصادی- اجتماعی زنان	مستقل	میزان اهمیت اعتقادات سنتی در خانواده پاسخگو در محورهای مربوط به تحصیل و اشتغال زنان
		الگوی اقتدار پدر	مستقل	میزان اهمیت اعتقادات سنتی در خانواده پاسخگو در محورهای مربوط به فرزندان
		الگوی اقتدار شوهر	مستقل	میزان اهمیت اعتقادات سنتی در خانواده پاسخگو در محورهای مربوط به همسران
	نقش زن در تصمیم گیری	نقش زن در تصمیم گیری	مستقل	میزان اهمیت نظر پاسخگو در تصمیم گیری های مهم خانوادگی
	انسجام خانوادگی	انسجام خانوادگی	مستقل	میزان اهمیت نظر اعضای گوناگون در خانواده های زنان و مشورت و همکاری آنها با یکدیگر
	پایگاه اقتصادی اجتماعی خانوار	پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانوار	زمینه ای	مجموع موقعیت گروه شغلی و تحصیلی و سرانه درآمدی پدر، مادر یا همسر پاسخگو سطح خاصی از حیثیت و منزلت را برای کل خانوار به همراه خواهد داشت
	تعداد فرزندان	تعداد فرزندان	زمینه ای	همه فرزندان هر پاسخگو
	تعداد فرزندان	تعداد فرزندان زیر پنج سال	زمینه ای	مجموع تعداد فرزندان کمتر از پنج سال پاسخگو

ویژگی های اقتصادی- اجتماعی فرد	سن	سن	زمینه ای	تعداد سال های کامل سپری شده پاسخگو از هنگام تولد	
	وضعیت تأهل	وضعیت تأهل	زمینه ای	تقسیم افراد به گروه های ازدواج نکرده، دارای همسر، بدون همسر بر اثر فوت و طلاق و سایر	
	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	پایگاه اقتصادی- اجتماعی فرد	زمینه ای	مجموع موقعیت گروه شغلی و تحصیلی و مالکیت خودرو پاسخگو سطح خاصی از حیثیت و منزلت را برای فرد به همراه خواهد داشت	
	طول مدت اقامت	مدت اقامت در تهران	زمینه ای	سال های کامل سپری شده پاسخگو از بدو ورود به شهر تهران و در مورد تهرانی ها از بدو تولد	
	اقامت	مدت اقامت در محله فعلی	زمینه ای	سال های کامل سپری شده پاسخگو از بدو اسکان در محله مسکونی	
	استفاده از رسانه	دسترسی به رسانه ها	مستقل	تعداد رسانه های مورد استفاده از میان رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله و کامپیوتر	
	رسانه	میزان استفاده از رسانه ها	مستقل	مجموع ساعات استفاده از رسانه های رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله و اینترنت	
	محل تولد	محل تولد	مستقل	تقسیم افراد برحسب محل تولد در تهران و سایر شهرها و روستاها	
	ویژگی های گرایش- انگیزشی	ویژگی های گرایشی	رقابت جویی	مستقل	باور به تأثیر مثبت رقابت و مبارزه جویی با دیگران در پیشبرد امور فردی و اجتماعی
			خودآثربخشی	مستقل	باور به لزوم تأثیر فعالیت فردی در حصول نتایج مورد انتظار
ازخودبیگانگی			مستقل	انفعال و باور نداشتن به تأثیرگذاری در امور اجتماعی و سیاسی	
میل به پیشرفت			مستقل	اشتیاق برای رشد و ارتقا و نیل به اهداف جمعی و فردی نظیر بهبود وضعیت شغلی و زندگی	

تمایل به مشارکت	علاقه به مشارکت سیاسی	مستقل	تمایل پیشینی به مشارکت در امور سیاسی نظیر شرکت در راهپیمایی‌ها و انتخابات
	علاقه به مشارکت محلی- محیطی	مستقل	تمایل پیشینی به مشارکت در اموری نظیر پاکسازی محیط اجتماعی، فعالیت‌های خیریه و حفظ محیط زیست
ویژگی‌های گروه مشارکتی	هم‌شأنی در گروه مشارکتی	مستقل	نسبت اعضای هم‌جنس و هم‌سطح تحصیلی در گروه‌هایی که فرد قبلاً در آنها مشارکت داشته است
	هم‌ولایتی در گروه مشارکتی	مستقل	نسبت اعضای با منشأ قومی و مکانی همسان در گروه‌هایی که فرد قبلاً در آنها مشارکت داشته است
مشارکت اجتماعی	مشارکت انقلابی	وابسته	شرکت آزادانه و داوطلبانه در فعالیت‌هایی نظیر نماز جماعت، نماز جمع، راهپیمایی‌ها و فعالیت‌های بسیج
	مشارکت مدنی	وابسته	شرکت آزادانه و داوطلبانه در سازمان‌هایی نظیر سازمان‌های غیردولتی، احزاب و گروه‌ها و مجامع صنفی
	مشارکت حمایتی	وابسته	شرکت آزادانه و داوطلبانه در سازمان‌هایی نظیر سازمان‌های حمایت از حقوق زنان، کودکان، سالمندان و اقوام
	مشارکت فرهنگی- تفریحی	وابسته	شرکت آزادانه و داوطلبانه در فعالیت‌هایی نظیر دوره‌های دوستانه، امور هنری، ورزشی و علمی
	مشارکت محلی	وابسته	شرکت آزادانه و داوطلبانه در فعالیت‌هایی نظیر همکاری با همسایگان، انجمن اولیا و مربیان و اهدای خون
	انواع مشارکت		

شرکت آزادانه و داوطلبانه در فعالیتهایی نظیر هیئت‌های مذهبی و سفره‌ها، امور خیریه و برنامه‌های خرید جهیزیه	وابسته	مشارکت مذهبی- خیریه‌ای		
شرکت آزادانه و داوطلبانه در تمامی امور و فعالیتهای اجتماعی موارد قبل	وابسته	مشارکت اجتماعی		
ارزیابی پاسخگو از میزان مشارکت خود در امور اجتماعی در سطح‌های مختلف	مستقل	ارزیابی از مشارکت خود	ارزیابی مشارکت	
عواملی که سبب عدم ارتقای مشارکت فردی می‌شود در محورهای زمان و مکان فعالیت‌ها در محدودیت‌های قانونی	مستقل	محدودیت‌های ساختاری	موانع مشارکت	مشارکت اجتماعی
عواملی که سبب عدم ارتقای مشارکت فردی می‌شود در محورهای اقتصادی، کاری و امور خانوادگی	مستقل	محدودیت‌های خانوادگی		
عواملی که سبب عدم ارتقای مشارکت فردی می‌شود در محورهای عدم موافقت شوهر (با پدر) و مطابق شأن نبودن	مستقل	محدودیت‌های سستی		
باور فرد به متناسب بودن فعالیت با شأن زنان در محورهای شرکت در اجتماعات فرهنگی و حمایت از زنان و کودکان	مستقل	شأن فعالیت‌های فرهنگی- حمایتی	مطابقت با شأن زنان	
باور فرد به متناسب بودن فعالیت با شأن زنان در محورهای شرکت در راهپیمایی، نماز جمعه و حمایت از سفره‌های روضه	مستقل	شأن فعالیت‌های انقلابی- مذهبی		
باور فرد به متناسب بودن فعالیت با شأن زنان در محورهای شرکت در گروه‌ها و احزاب سیاسی، سازمان‌های حقیقی و کارگری	مستقل	شأن فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی		

## یافته‌ها

## ۱. معرفی زنان جامعه مورد بررسی

با توجه به اهمیت اطلاعات به دست آمده در زمینه ویژگی‌های مهم زنان در جامعه مورد بررسی، که احتمالاً در سطح و میزان رفتار مشارکتی آنها مؤثر است، ابتدا این بخش از یافته‌ها ارائه می‌گردد.

## ۱-۱. سواد و تحصیلات

به نظر می‌رسد که مهم‌ترین متغیر در زمینه مشارکت اجتماعی زنان موضوع سواد و میزان تحصیلات آنان است. براساس یافته‌های پژوهش، حدود ۴ درصد زنان (۵۸ نفر) بی‌سواد بوده‌اند. از میان ۱۴۱۷ نفر پاسخگوی باسواد، تنها ۲/۲ درصد در سطح تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) قرار داشته‌اند. همچنین سهم تحصیل‌کردگان بالاتر از دیپلم (فوق‌دیپلم و کارشناسی) در مجموع حدود ۱۸ درصد بوده است. بدین ترتیب، مجموع زنان با تحصیلات عالی ۲۰/۱ درصد (حدود یک پنجم) جامعه آماری را تشکیل داده‌اند. در سطوح تحصیلی متوسطه (شامل متوسطه، پیش‌دانشگاهی و دیپلم) در مجموع ۴۵/۸ درصد زنان قرار دارند. همچنین سطوح پایین تحصیلی (شامل سواد خواندن و نوشتن، ابتدایی، راهنمایی و سیکل) ۳۰ درصد جامعه آماری را به خود اختصاص داده است که، در مقایسه با کل کشور و جامعه شهری، برای شهر تهران نسبتاً زیاد و قابل تأمل است.

## ۲-۱. وضعیت فعالیت

در مورد وضعیت فعالیت زنان در جامعه مورد بررسی، اطلاعات به دست آمده حاکی از آن است که در مجموع ۱۶/۷ درصد زنان فعال و ۷۳/۳ درصد غیرفعال هستند. در میان فعالان، ۱۳/۹ درصد شاغل و ۲/۸ درصد بیکار و جویای کارند. زنان غیرفعال شامل سه گروه خانه‌دار، محصل و دارای درآمد بدون کار هستند و سهم نسبی آنها در کل جامعه

به ترتیب ۶۵/۴، ۱۵/۰، ۲/۰ درصد است. صاحبان درآمد بدون کار کمترین و خانه‌داران بیشترین سهم نسبی را دارا هستند.

### ۳-۱. وضعیت شغلی

بیش از نیمی از زنان شاغل، مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی (کارمند دولت) هستند، در حالی که تنها ۱/۰ درصد آنان کارکن فامیلی بدون مزدند. در مجموع، نزدیک به ۷۷ درصد شاغلان جامعه آماری مورد بررسی مزد و حقوق‌بگیر بخش‌های عمومی و خصوصی محسوب می‌شوند. البته مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی سهم بسیار کمتری در این میان دارند (۲۳/۲ درصد). مجموع سهم کارفرمایان و کارکنان مستقل ۲۲/۱ درصد است، اما این نکته قابل توجه است که تعداد کارفرمایان زن در جامعه مورد مطالعه بسیار اندک است و تنها ۳/۴ درصد از کل زنان را شامل می‌شود.

### ۴-۱. سن

در میان زنان جامعه مورد بررسی، جوان‌ترین فرد ۱۵-۱۴ ساله و مسن‌ترین فرد ۸۱ ساله بوده‌اند. میانگین سن زنان ۳۴/۵ سال و میانگین آن ۳۲/۰۰ سال بوده است. انحراف معیار سن زنان نیز ۱۳/۱۷ است که ناشی از تفاوت سنی زیاد بین جامعه آماری است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخش عمده جامعه آماری کمتر از ۳۵ سال داشته‌اند (۵۳/۹ درصد). میانگین سن زنان (حدود ۳۴/۵ سال) کمتر از سنی است که بتوان آنها را در آستانه میانسالی و تغییر شرایط روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی تلقی کرد. این مسئله می‌تواند در میزان و نوع مشارکت زنان مؤثر باشد.

### ۵-۱. وضعیت تأهل

بیش از ۷۲ درصد زنان جامعه مورد بررسی دارای همسر بوده‌اند. از میان سایر زنان، نزدیک به ۲۳ درصد مجرد، حدود ۵ درصد بدون همسر زیر اثر فوت و طلاق و تنها ۰/۱ درصد دارای وضعیتی دیگر نظیر جدا از همسر بوده‌اند. وضعیت تأهل افراد می‌تواند در

فعالیت‌های جانبی و نیز اصلی آنان کاملاً مؤثر باشد و سطوح و درجات گوناگونی از مشارکت را موجب شود.

## ۲. مشارکت‌های اجتماعی زنان

مفهوم مشارکت در تعاریف جدید از نوعی رابطه همکاری به بنیادی اساسی برای برنامه‌های توسعه، و از عملی منفعلانه و خودبه‌خودی به کنشی فعال و آگاهانه تغییر کرده است. علاوه بر این، در تعاریف جدید، واحد تحلیل مشارکت «فرد» است و عمل ارادی، آگاهانه و مسالمت‌آمیز او برای تأثیرگذاری در نظام. از این دیدگاه، تفاوت دو مفهوم «بیعت» و «مشارکت» بیشتر برخاسته از تفاوت انسان جدید، با «فردیت» و حقوق ویژه او، با انسان قدیم است (محمدی، ۱۳۷۴: ۴-۲).

بدین ترتیب بنیاد نظری مشارکت از نوع جدید، پذیرش اصل برابری همه افراد است و از آنجا که در جامعه مدنی تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد، بخش غیرقابل تفکیک جامعه مدنی مشارکت و حضور زنان در اجتماع است (رنجبر، ۱۳۷۶: ۵۶).

از نظرگاه فمینیستی، زنان در مقام کنشگرانی خلاق و آگاه در جامعه برای دفاع از حقوق خود به پا می‌خیزند و روابط اجتماعی تحمیل شده و نقش‌های محول را در چارچوبی دیگر سامان می‌دهند. از این دیدگاه، مشارکت چیزی جز برنامه‌ای «برای جامعه» نیست که تمامی اعضای جامعه برای پیشبرد آن بسیج می‌شوند. این پیشرفته‌ترین تعریف از مفهوم مشارکت است. بدین ترتیب، مشارکت زنان حرکتی آگاهانه، آزاد و مسئولیت‌آور است که برای تمشیت امور جامعه ضروری است (شادی‌طلب، ۱۳۷۲: ۷).

با هدف سنجش انواع و میزان مشارکت اجتماعی زنان، علاوه بر گویه‌های طرح شده در زمینه موارد مشارکت، در هر مورد، نظر زنان در مورد شأن آن نوع خاص از مشارکت اجتماعی برای زنان پرسیده شد. یافته‌های پژوهش و تحلیل‌های آماری،



گویه‌های طراحی شده را در انواع گوناگون مشارکت‌های اجتماعی زنان دسته‌بندی کرده است.

## انواع مشارکت اجتماعی

تحلیل عاملی گویه‌های مشارکت با آماره K.M.O. و مقدار  $0/837$  و آزمون بارتلت با مقدار  $5177/148$  و سطح معناداری  $0/000$  تناسب گویه‌های مشارکت را برای تحلیل عاملی تأیید می‌کند. نتایج این شیوه نشان می‌دهد که ۲۵ گویه طراحی شده برای سنجش انواع و میزان مشارکت (جدول ۲) تحت شش عامل، که روی هم بیش از ۵۳ درصد واریانس کل گویه‌ها را تبیین می‌کنند، قرار می‌گیرند.

۱. چهار گویه عامل نخست یا «مشارکت در فعالیتهای انقلابی» عبارت‌اند از: شرکت در «نماز جمعه»، «راهپیمایی‌ها و تظاهرات»، «نماز جماعت» و «فعالیت‌های بسیج» که روی هم بیش از ۹ درصد واریانس گویه‌ها را تبیین می‌کند. بار عاملی گویه‌ها بین  $0/747$  (نماز جمعه) تا  $0/519$  (فعالیت‌های بسیج) در نوسان است. براساس ترتیب ورود عامل‌ها و نیز گویه‌ها معلوم می‌شود که از نظر زنان، عامل «مشارکت در فعالیتهای انقلابی» بیشترین اهمیت را در ساخت مفهوم مشارکت و شرکت در «نماز جمعه» بیشترین اهمیت را در ساخت عامل اول داراست.
۲. پنج گویه مربوط به عامل دوم یا «مشارکت مدنی» عبارت‌اند از: شرکت در «سازمان‌های صنفی و کارگری»، «سازمان‌های غیردولتی»، «گروه‌ها و احزاب سیاسی» و «تعاونی‌ها» و «همکاری با سازمان‌ها». بار عاملی آنها به ترتیب برابر است با  $0/702$  و  $0/628$ ،  $0/614$  و  $0/489$  و  $0/397$ . به این ترتیب، مهم‌ترین نوع مشارکت در این عامل شرکت در «سازمان‌های صنفی و کارگری» و کم‌اهمیت‌ترین آن «همکاری با سازمان‌ها» است. گویه‌های مربوط به این عامل، که حدود  $8/32$  درصد واریانس کل را تبیین می‌کند، بیشتر ناظر بر نوع مشارکتی است که می‌توان آن را «مشارکت مدنی» نامید.

۳. چهار گویه عامل سوم یا «مشارکت حمایتی» عبارت‌اند از: شرکت در «انجمن‌های حمایت از کودکان»، «انجمن‌های قومی»، «انجمن‌های حمایت از سالمندان و ...» و «مجموع حمایت از حقوق زنان». در میان این گویه‌ها، بار عاملی «انجمن‌های حمایت از کودکان» بیشتر (۰/۶۵۰) و بار عاملی «مجموع حمایت از حقوق زنان» کمتر (۰/۵۶۹) از سایر گویه‌هاست. به عبارت دیگر، اهمیت شرکت در «انجمن‌های حمایت از کودکان» در نزد زنان در ساخت مفهوم مشارکت حمایتی بسیار بیشتر از سایر گویه‌هاست. حال آنکه شرکت در «مجموع حمایت از حقوق زنان» در نزد آنان چندان اهمیتی ندارد. سهم نسبی این عامل در تبیین واریانس گویه‌ها حدود ۸/۳۱ درصد و تقریباً برابر با عامل دوم یا «مشارکت مدنی» است که از این نظر قابل توجه است.

۴. چهار گویه عامل چهارم یا «مشارکت فرهنگی-تفریحی» که بیشتر ناظر بر فعالیت‌های اوقات فراغت افراد است عبارت‌اند از: شرکت در «فعالیت‌های فرهنگی-هنری»، «فعالیت‌های ورزشی»، «دوره‌های هم‌کلاس‌ها و دوستان قدیم» و «انجمن‌های علمی» که بار عاملی گویه‌ها بین حداکثر ۰/۶۸۰ (فعالیت‌های فرهنگی-هنری) تا حداقل ۰/۵۴۸ (انجمن‌های علمی) در نوسان است. در این میان شرکت در «فعالیت‌های فرهنگی-هنری»، در حکم نوعی مشارکت فرهنگی-تفریحی، از نظر زنان جامعه مورد بررسی از شرکت در «انجمن‌های علمی» بسیار مهم‌تر است. این عامل تنها ۷/۸۹ درصد واریانس کل گویه‌ها را تبیین می‌کند و از این نظر نمی‌توان آن را عاملی مهم در موضوع مشارکت قلمداد کرد.

۵. پنج گویه عامل پنجم یا «مشارکت محلی» عبارت‌اند از: «همکاری با همسایگان و مدیریت مجتمع مسکونی»، شرکت در «انجمن اولیا و مربیان»، «فعالیت‌های محلی»، «انتخابات و رأی‌گیری‌ها» و «اهدای خون». البته این عامل تقریباً ۶/۴۳ درصد از واریانس کل گویه‌ها را تبیین می‌کند و از این نظر عامل بسیار مهمی در مشارکت به نظر نمی‌رسد. بار عاملی مهم‌ترین گویه یا «همکاری با همسایگان» برابر با ۰/۶۷۶ و بار

عاملی کم‌اهمیت‌ترین گویه یا «اهدای خون» برابر با ۰/۳۲۹ است که معلوم می‌شود از نظر زنان، «همکاری با همسایگان» در مشارکت محلی اهمیت زیادی دارد، در حالی که «اهدای خون» اهمیت چندانی ندارد.

۶. سه گویه عامل ششم یا «مشارکت مذهبی- خیریه‌ای» عبارت‌اند از: شرکت در «کارهای خیریه»، «هیئت‌ها، روضه‌ها، سفره‌ها، جلسات قرآن و جشن‌های مذهبی» و «برنامه‌های خرید جهیزیه». این عامل تنها ۶/۱۷ درصد واریانس گویه‌ها را تبیین می‌کند. بار عاملی گویه‌ها به ترتیب ۰/۶۸۸ و ۰/۵۵۵ و ۰/۵۰۷ است که از ترتیب ورود گویه‌ها و بار عاملی آنها می‌توان چنین استنباط کرد که از نظر زنان، شرکت در «کارهای خیریه» در مقام مصداق مشارکت مذهبی- خیریه‌ای بسیار مهم‌تر از شرکت در «برنامه‌های خرید جهیزیه» و شرکت در «هیئت‌ها، روضه‌ها، سفره‌ها، جلسات قرآن و جشن‌های مذهبی» است.

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی گویه‌های انواع مشارکت زنان در جامعه مورد بررسی

عامل شش	عامل پنج	عامل چهار	عامل سه	عامل دو	عامل یک	گویه‌ها
					۰/۷۴۷	۱. نماز جمعه
					۰/۷۴۰	۲. راهپیمایی‌ها و تظاهرات
					۰/۶۶۴	۳. نماز جماعت
					۰/۵۱۹	۴. فعالیت‌های بسیج (مانند بسیج محلی، دانشجویی و بهداشتی)
				۰/۷۰۲		۵. سازمان‌های صنفی و کارگری
				۰/۶۲۸		۶. سازمان‌های غیردولتی
				۰/۶۱۴		۷. گروه‌ها و احزاب سیاسی
				۰/۴۸۹		۸. تعاونی‌ها
				۰/۳۹۷		۹. همکاری با سازمان‌ها (نظیر شهرداری)

گروه‌ها	عامل یک	عامل دو	عامل سه	عامل چهار	عامل پنج	عامل شش
۱۰. انجمن‌های حمایت از کودکان			۰/۶۵۰			
۱۱. انجمن‌های قومی			۰/۶۴۸			
۱۲. انجمن‌های حمایت از سالمندان، زندانیان و خانواده‌های آنان			۰/۶۰۷			
۱۳. مجامع حمایت از حقوق زنان			۰/۵۶۹			
۱۴. فعالیت‌های فرهنگی- هنری			۰/۶۸۰			
۱۵. فعالیت‌های ورزشی (مانند شنا، آمادگی جسمانی و مسابقات)			۰/۶۷۲			
۱۶. دوره‌های هم‌کلاس‌ها و دوستان قدیم			۰/۶۵۴			
۱۷. انجمن‌های علمی			۰/۵۴۸			
۱۸. همکاری با همسایگان و مدیریت مجتمع مسکونی					۰/۶۷۶	
۱۹. انجمن اولیا و مربیان					۰/۵۵۶	
۲۰. فعالیت‌های محلی (مانند حفظ بهداشت محلی)					۰/۴۲۹	
۲۱. انتخابات و رأی‌گیری‌ها					۰/۴۰۳	
۲۲. اهدای خون					۰/۳۲۹	
۲۳. کارهای خیریه (نظیر کمک به فقرا)					۰/۶۸۸	
۲۴. هیئت‌ها، روضه‌ها، سفره‌ها، جلسات قرآن و جشن‌های مذهبی					۰/۵۵۵	
۲۵. برنامه‌های خرید جهیزیه برای خانواده‌های نیازمند					۰/۵۰۷	
سهم عامل در تبیین واریانس گروه‌ها	۹/۲۳۰	۸/۳۲۱	۸/۳۰۹	۷/۸۹۳	۶/۴۲۶	۶/۱۶۸

## مشارکت در فعالیت‌های انقلابی

نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی گویه‌های مربوط به انواع مشارکت، چهار گویه نماز جمعه، راهپیمایی‌ها و تظاهرات، نماز جماعت و فعالیت‌های بسیج را در عامل نخست یا «مشارکت در فعالیت‌های انقلابی» قرار داده است. یافته‌های پژوهش (جدول ۳) نشان می‌دهد که میانگین تمامی این موارد بسیار کمتر از سطح متوسط (میانگین ۲/۵۰) و فقط در مورد نماز جماعت برابر با ۲/۳۱ است که در سطح متوسط «گاهی اوقات» قرار دارد. انحراف معیار داده‌ها گویای اختلاف نظر کمتر در مورد شرکت در نماز جمعه و فعالیت‌های بسیج و رفتار نسبتاً مشابه زنان در این موارد است.

بیش از ۸۷ درصد زنان در سطح بسیار اندکی در فعالیت‌های بسیج شرکت می‌جویند، در عین حال این رقم برای نماز جماعت ۵۳/۲ درصد است. این نکته جالب توجه است که در مورد فعالیت‌های بسیج، نماز جمعه، راهپیمایی‌ها و تظاهرات و نماز جماعت به ترتیب ۸۰/۳، ۶۷/۴، ۶۰/۶، ۳۷/۰ درصد افراد اصلاً مشارکتی ندارند. ارقام بسیار بالای مشارکت نداشتن در این فعالیت‌ها نکته‌ای است که مطالعه‌ای عمیق‌تر و ویژه را می‌طلبد.

نتایج ترکیب گویه‌ها و ساخت مفهوم مشارکت انقلابی (جدول ۳) نشان می‌دهد که نزدیک به ۳/۴ زنان جامعه آماری در سطوح پایین و تنها حدود ۷ درصد آنان در سطوح بالای مشارکت انقلابی قرار دارند. میانگین این متغیر پایین‌تر از سطح متوسط و نشان‌دهنده گرایش کم زنان به مشارکت در فعالیت‌های انقلابی (حداقل در موارد یادشده) است. اختلاف نظر بین زنان از این نظر نسبتاً اندک و انحراف معیار برابر با ۰/۹۰ است.

جدول ۳. گویه‌های متغیر «مشارکت در فعالیتهای انقلابی» و میزان شرکت زنان در آنها

تعداد	آماره‌ها			میزان مشارکت (درصد و تعداد)					گویه‌ها
	انحراف معیار	میانه	میانگین	اصلاً	کم	گاهی اوقات	بیشتر اوقات	به طور مرتب	
۱۴۵۱	۰/۸۸	۱/۰۰	۱/۵۴	۶۷/۴ ۹۷۸	۱۴/۷ ۲۱۴	۱۴/۶ ۲۱۲	۲/۶ ۳۸	۰/۶ ۹	۱. نماز جمعه
۱۴۵۳	۱/۲۲	۱/۰۰	۱/۸۴	۶۰/۶ ۸۸۱	۱۱/۷ ۱۷۰	۱۶/۹ ۲۴۵	۴/۶ ۶۷	۶/۲ ۹۰	۲. راهپیمایی‌ها و تظاهرات
۱۴۵۴	۱/۲۱	۲/۰۰	۲/۳۱	۳۷/۰ ۵۳۸	۱۶/۲ ۲۳۶	۳۰/۷ ۴۴۶	۱۱/۳ ۱۶۵	۴/۷ ۶۹	۳. نماز جماعت
۱۳۲۱	۰/۹۳	۱/۰۰	۱/۴۰	۸۰/۳ ۱۰۶۱	۷/۱ ۹۴	۷/۳ ۹۷	۲/۳ ۳۱	۲/۹ ۳۸	۴. فعالیتهای بسیج (مانند بسیج محلی، دانشجویی و بهداشتی)
۱۲۹۹	۰/۹۰	۲/۰۰	۲/۰۶	۲۸/۶ ۳۷۲	۴۴/۸ ۵۸۲	۱۹/۶ ۲۵۴	۵/۹ ۷۶	۱/۲ ۱۵	مراتب مشارکت در فعالیتهای انقلابی

## مشارکت مدنی

عامل دوم یا «مشارکت مدنی» شامل شرکت در سازمان‌های صنفی و کارگری، سازمان‌های غیردولتی، گروه‌ها و احزاب سیاسی، تعاونی‌ها، و همکاری با سازمان‌هایی نظیر شهرداری است. نتایج به دست آمده از بررسی این موارد (جدول ۴) نشان می‌دهد که میانگین‌ها بین ۱/۱۵ تا ۱/۵۵ در نوسان است که اگرچه در مورد تعاونی‌ها بالاتر از سایر موارد است، با این حال از حد متوسط ۲/۵۰ بسیار پایین‌تر و به مفهوم گرایش

بسیار اندک زنان به مشارکت در این موارد است. میانه داده‌ها نیز بسیار پایین (۱/۰۰) و به این معناست که حداقل نیمی از زنان اصلاً در این فعالیت‌ها شرکت نمی‌جویند. در واقع، رقم واقعی مربوط به مشارکت نداشتن در فعالیت‌های مدنی یادشده بسیار بالاتر از سطح ۵۰ درصد و بین حداقل ۷۳/۶ (تعاونی‌ها) تا حداکثر ۹۰/۸ درصد (گروه‌ها و احزاب سیاسی) در نوسان است. اختلاف نظر در باره این موارد در میان زنان، به غیر از تعاونی‌ها (انحراف معیار برابر ۱/۰۴)، بسیار اندک و در مورد گروه‌ها و احزاب سیاسی و سازمان‌های صنفی و کارگری پایین‌تر از سایر موارد است (به ترتیب ۰/۵۵ و ۰/۶۹).

توجه به مراتب مشارکت مدنی که حاصل ترکیب این گویه‌هاست نشان می‌دهد که کمتر از یک درصد زنان در سطح بالای مشارکت و بیش از ۹۲ درصد در سطح پایین آن قرار دارند. میانگین و میانه مشارکت مدنی (به ترتیب ۱/۵۴ و ۱/۰۰) بسیار پایین و اختلاف بین زنان نیز از این نظر بسیار اندک و انحراف معیار برابر با ۰/۶۶ است. میانگین اندک مشارکت مدنی حاکی از اقبال نکردن زنان به مشارکت در این نوع فعالیت‌هاست.

جدول ۴. گویه‌های متغیر «مشارکت مدنی» و میزان شرکت زنان در آنها

تعداد	آماره‌ها			میزان مشارکت (درصد و تعداد)					گویه‌ها
	انحراف معیار	میانه	میانگین	اصلاً	کم	گاهی	بیشتر اوقات	به طور مرتب	
۱۰۲۰	۰/۶۹	۱/۰۰	۱/۲۰	۹۰/۷	۳/۱	۳/۶	۱/۰	۱/۶	۱. سازمان‌های صنفی و کارگری
				۹۲۵	۳۲	۳۷	۱۰	۱۶	
۱۰۷۰	۰/۹۳	۱/۰۰	۱/۳۹	۸۱/۷	۵/۸	۷/۲	۲/۹	۲/۴	۲. سازمان‌های غیردولتی
				۸۷۴	۶۲	۷۷	۳۱	۲۶	

تعداد	آماره‌ها			میزان مشارکت (درصد و تعداد)					گروه‌ها
	انحراف معیار	میان	میانگین	اصلاً	کم	گاهی	بیشتر اوقات	به طور مرتب	
۱۰۹۹	۰/۵۵	۱/۰۰	۱/۱۵	۹۰/۸ ۹۹۸	۴/۶ ۵۱	۳/۵ ۳۸	۰/۵ ۵	۰/۶ ۷	۳. گروه‌ها و احزاب سیاسی
۱۰۳۱	۱/۰۴	۱/۰۰	۱/۵۵	۷۳/۶ ۹۵۸	۸/۱ ۱۰۶	۱۰/۸ ۱۴۱	۴/۵ ۵۹	۲/۸ ۳۷	۴. تعاونی‌ها
۱۳۰۲	۰/۸۱	۱/۰۰	۱/۳۳	۸۲/۶ ۱۰۷۶	۶/۹ ۹۰	۶/۸ ۸۹	۲/۳ ۳۰	۱/۳ ۱۷	۵. همکاری با سازمان‌ها (نظیر شهرداری)
۸۹۷	۰/۶۶	۱/۰۰	۱/۵۴	۵۴/۳ ۴۸۷	۳۷/۹ ۳۴۰	۶/۹ ۶۲	۰/۹ ۸	-	مراتب مشارکت مدنی

## مشارکت حمایتی

عامل سوم یا «مشارکت حمایتی» شامل شرکت در انجمن‌های حمایت از کودکان، انجمن‌های قومی، انجمن‌های حمایت از سالمندان و زندانیان و خانواده‌های آنان و مجامع حمایت از حقوق زنان است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد (جدول ۵) میانۀ داده‌ها در مورد این فعالیت‌ها نیز بسیار اندک و نظیر مشارکت مدنی برابر با ۱/۰۰ است. میانگین داده‌ها نیز بسیار کمتر از سطح متوسط ۲/۵۰ و به مفهوم گرایش بسیار کم زنان به مشارکت در این فعالیت‌هاست. بیش از ۸۳ درصد زنان اظهار داشته‌اند که اصلاً در انجمن‌های قومی شرکت نمی‌کنند، و ۶۷ درصد در انجمن‌های حمایت از سالمندان و زندانیان اصلاً مشارکت ندارند.

توجه به مراتب مشارکت حمایتی نشان می‌دهد که کمتر از ۳ درصد زنان در سطح



بالا و ۸۸/۰ درصد در سطح پایین مشارکت قرار دارند و کمتر از ۱۰ درصد در سطح متوسط آن جای می‌گیرند. انحراف معیار مشارکت حمایتی نسبتاً اندک (۰/۸۰) است که به این معناست که بیشتر زنان سطح مشارکت یکسانی در فعالیت‌های حمایتی دارند. میانگین داده‌ها، اگرچه از برخی موارد نظیر انجمن‌های حمایت از کودکان، انجمن‌های قومی و مجامع حمایت از حقوق زنان اندکی بالاتر است، از سطح متوسط ۲/۵۰ بسیار پایین‌تر و به مفهوم گرایش اندک زنان به شرکت در این نوع فعالیت‌هاست.

جدول ۵. گویه‌های متغیر «مشارکت حمایتی» و میزان شرکت زنان در آنها

تعداد	آماره‌ها			میزان مشارکت (درصد و تعداد)					گویه‌ها
	انحراف معیار	میان	میانگین	اصلاً	کم	گاهی	بیشتر اوقات	به طور مرتب	
۱۱۳۱	۱/۰۱	۱/۰۰	۱/۵۱	۷۵/۲ ۸۵۱	۷/۸ ۸۸	۱۰/۴ ۱۱۸	۳/۷ ۴۳	۲/۸ ۳۲	۱. انجمن‌های حمایت از کودکان
۱۰۲۶	۰/۸۰	۱/۰۰	۱/۳۱	۸۳/۳ ۸۵۵	۶/۷ ۶۹	۶/۷ ۶۹	۱/۷ ۱۷	۱/۶ ۱۶	۲. انجمن‌های قومی
۱۲۹۶	۱/۰۶	۱/۰۰	۱/۶۵	۶۷/۴ ۸۷۳	۹/۸ ۱۲۷	۹/۸ ۱۲۷	۲/۹ ۳۸	۳/۲ ۴۱	۳. انجمن‌های حمایت از سالمندان، زندانیان و خانواده‌های آنان
۱۱۰۳	۰/۸۴	۱/۰۰	۱/۳۴	۸۲/۳ ۹۰۸	۶/۵ ۷۲	۶/۵ ۷۲	۲/۲ ۲۴	۱/۷ ۱۹	۴. مجامع حمایت از حقوق زنان
۹۲۶	۰/۸۰	۱/۰۰	۱/۶۱	۵۴/۱ ۵۰۱	۳۳/۹ ۳۱۴	۹/۲ ۸۵	۲/۱ ۱۹	۰/۸ ۷	مراتب مشارکت حمایتی

## مشارکت فرهنگی - تفریحی

عامل چهارم یا «مشارکت فرهنگی- تفریحی» شامل محورهای مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی- هنری، فعالیت‌های ورزشی، دوره‌های هم‌کلاس‌ها و دوستان قدیم و انجمن‌های علمی است. اگرچه میانگین مشارکت در این موارد بسیار بالاتر از سایر انواع مشارکت مورد بررسی است (جدول ۶) و بین ۲/۴۱ (دوره‌های هم‌کلاس‌ها و دوستان قدیم) تا ۱/۵۸ (انجمن‌های علمی) در نوسان است، با این حال کمتر از سطح متوسط ۲/۵۰ است. البته اختلاف بین میزان مشارکت زنان نسبتاً زیاد و بین ۱/۳۵ (دوره‌های هم‌کلاس‌ها و دوستان قدیم) و ۱/۰۷ (انجمن‌های علمی) در نوسان است.

توجه به مراتب مشارکت فرهنگی- تفریحی نشان می‌دهد که حدود ۵۷ درصد زنان جامعه مورد بررسی در سطح پایین و تنها ۱۴/۵ درصد در سطح بالای مشارکت قرار دارند. میانگین مشارکت فرهنگی- تفریحی (۲/۴۳) نسبت به سایر انواع مشارکت نسبتاً بالاست، ولی همچنان اندکی کمتر از سطح متوسط است. با این حال، اختلاف بین زنان از این نظر بالا و برابر با ۰/۹۹ است.

جدول ۶. گویه‌های متغیر «مشارکت فرهنگی- تفریحی» و میزان شرکت زنان در آنها

تعداد	آماره‌ها			میزان مشارکت (درصد و تعداد)					گویه‌ها
	انحراف معیار	میان	میانگین	اصلاً	کم	گاهی	بیشتر اوقات	به طور مرتب	
۱۴۰۸	۱/۳۲	۱/۰۰	۲/۱۲	۵۰/۱ ۷۰۵	۱۲/۴ ۱۷۵	۲۰/۳ ۲۸۶	۹/۸ ۱۳۸	۷/۴ ۱۰۴	۱. فعالیت‌های فرهنگی- هنری
۱۴۴۳	۱/۳۳	۲/۰۰	۲/۲۷	۴۲/۹ ۶۱۹	۱۳/۹ ۲۰۱	۲۴/۹ ۳۶۰	۹/۴ ۱۳۶	۸/۸ ۱۲۷	۲. فعالیت‌های ورزشی (مانند شنا، آمادگی جسمانی و مسابقات)

تعداد	آماره‌ها			میزان مشارکت (درصد و تعداد)					گویه‌ها
	انحراف معیار	میان	میانگین	اصلاً	کم	گاهی	بیشتر اوقات	به طور مرتب	
۱۴۰۶	۱/۳۵	۲/۰۰	۲/۴۱	۳۹/۰ ۵۴۹	۱۲/۷ ۱۷۹	۲۵/۳ ۳۵۶	۱۴/۲ ۱۹۹	۸/۷ ۱۲۳	۳. دوره‌های هم‌کلاس‌ها و دوستان قدیم
۱۲۳۲	۱/۰۷	۱/۰۰	۱/۵۸	۷۲/۷ ۸۹۶	۸/۴ ۱۰۳	۱۰/۹ ۱۳۴	۴/۶ ۵۷	۳/۴ ۴۲	۴. انجمن‌های علمی
۱۱۹۱	۰/۹۹	۲/۰۰	۲/۴۳	۱۷/۰ ۲۰۲	۴۰/۱ ۴۷۷	۲۸/۵ ۳۴۰	۱۱/۶ ۱۳۸	۲/۹ ۳۴	مراتب مشارکت فرهنگی- تفریحی

### مشارکت محلی

عامل پنجم یا «مشارکت محلی» شامل پنج گویه همکاری با همسایگان و مدیریت مجتمع مسکونی، انجمن اولیا و مربیان، فعالیت‌های محلی، انتخابات و رأی‌گیری‌ها و اهدای خون است. در میان این گویه‌ها، بالاترین میانگین مربوط به انتخابات و رأی‌گیری‌ها (۳/۵۵) و پایین‌ترین آن مربوط به اهدای خون (۱/۵۲) است. به نظر می‌رسد وجود برخی باورها و نگرش‌ها نسبت به اهدای خون و گسترش نیافتن آن در سطح اجتماع عامل تمایل اندک زنان به اهدای خون باشد. اختلاف نظر زنان در تمام محورهای این مشارکت بالاست.

بیش از ۷۴ درصد زنان جامعه آماری اصلاً خون اهدا نکرده‌اند، حال آنکه این رقم در مورد انتخابات اندکی بیش از ۱۶ درصد است. در سطح بالای مشارکت، بیشترین سهم نسبی مربوط به انتخابات و رأی‌گیری‌ها (۵۵/۲ درصد) و کمترین سهم نسبی مربوط به اهدای خون (۶/۲ درصد) است. سایر ارقام در مورد همکاری با همسایگان و مدیریت مجتمع مسکونی، انجمن اولیا و مربیان و فعالیت‌های محلی به ترتیب برابر با

۲۰/۸، ۲۲/۰ و ۸/۹ درصد است.

میانگین مربوط به مشارکت محلی برابر با ۲/۶۴ و در واقع در سطح پایینی است. تنها حدود ۵/۵ درصد زنان اصلاً در مشارکت‌های محلی شرکت نمی‌جویند. در سطح متوسط و اندک مشارکت مجموعاً ۸۱ درصد و در سطح بالای آن ۱۳/۵ درصد زنان جامعه آماری قرار دارند که حاکی از گرایش نسبتاً متوسط زنان به مشارکت در این‌گونه فعالیت‌هاست.

جدول ۷. گویه‌های متغیر «مشارکت محلی» و میزان شرکت زنان در آنها

تعداد	آماره‌ها			میزان مشارکت (درصد و تعداد)					گویه‌ها
	انحراف معیار	میان	میانگین	اصلاً	کم	گاهی اوقات	بیشتر اوقات	به طور مرتب	
۱۴۱۹	۱/۳۵	۲/۰۰	۲/۳۸	۳۹/۵ ۵۶۰	۱۳/۴ ۱۹۰	۲۶/۴ ۳۷۴	۱۱/۱ ۱۵۸	۹/۷ ۱۳۷	۱. همکاری با همسایگان و مدیریت مجتمع مسکونی
۱۳۹۵	۱/۴۷	۱/۰۰	۲/۱۵	۵۶/۰ ۷۸۱	۷/۴ ۱۰۳	۱۴/۶ ۲۰۴	۱۰/۰ ۱۴۰	۱۲/۰ ۱۶۷	۲. انجمن اولیا و مربیان
۱۴۰۳	۱/۱۳	۱/۰۰	۱/۷۲	۶۵/۳ ۹۱۶	۱۰/۲ ۱۴۳	۱۵/۶ ۲۱۹	۵/۲ ۷۳	۳/۷ ۵۲	۳. فعالیت‌های محلی (مانند حفظ بهداشت محلی)
۱۴۵۰	۱/۴۷	۴/۰۰	۳/۵۵	۱۶/۱ ۲۳۳	۷/۴ ۱۰۷	۲۱/۳ ۳۰۹	۱۵/۸ ۲۲۹	۳۹/۴ ۵۷۲	۴. انتخابات و رأی‌گیری‌ها
۱۴۵۳	۱/۰۱	۱/۰۰	۱/۵۲	۷۴/۳ ۱۰۸۰	۹/۱ ۱۳۲	۱۰/۴ ۱۵۱	۳/۱ ۴۵	۳/۱ ۴۵	۵. اهدای خون
۱۳۰۶	۰/۸۲	۳/۰۰	۲/۶۴	۵/۴ ۷۱	۴۰/۵ ۵۲۹	۴۰/۵ ۵۲۹	۱۱/۹ ۱۵۶	۱/۶ ۲۱	مراتب مشارکت محلی

## مشارکت مذهبی - خیریه‌ای

عامل ششم یا «مشارکت مذهبی - خیریه‌ای»، در حکم کم‌اهمیت‌ترین عامل در تعیین انواع مشارکت زنان، شامل سه گویه کارهای خیریه، هیئت‌ها، روضه‌ها، سفره‌ها، جلسات قرآن و جشن‌های مذهبی و برنامه‌های خرید جهیزیه برای خانواده‌های نیازمند است. در میان این سه گویه، بالاترین میانگین مشارکت مربوط به کارهای خیریه (۳/۰۴) و پایین‌ترین آن مربوط به برنامه‌های خرید جهیزیه (۱/۸۸) است. میانگین کارهای خیریه و هیئت‌ها و روضه‌ها بالاتر از سطح متوسط ۲/۵۰ و نشان‌دهنده گرایش زنان به این‌گونه مشارکت‌هاست. انحراف معیار در مورد تمامی این محورها نسبتاً بالا و خصوصاً در مورد هیئت‌ها و روضه‌ها بالاتر از سایرین است (۱/۲۲).

۵۲/۴ درصد زنان در برنامه‌های خرید جهیزیه، ۱۸/۵ درصد در هیئت‌ها و روضه‌ها و ۱۱/۳ درصد در کارهای خیریه اصلاً شرکت نمی‌کنند. در سطح متوسط، بالاترین سهم نسبی مربوط به کارهای خیریه (۴۳/۴ درصد) و پایین‌ترین آن مربوط به برنامه‌های خرید جهیزیه (۲۳/۶ درصد) است. در سطح بالای مشارکت نیز بالاترین سهم نسبی مربوط به کارهای خیریه (۳۱/۰ درصد) و پایین‌ترین آن مربوط به برنامه‌های خرید جهیزیه (۷/۴ درصد) است.

از میان زنان جامعه مورد بررسی، حدود ۲۵ درصد در سطح بالای مشارکت مذهبی - خیریه‌ای و ۳۱/۴ درصد در سطح پایین آن و حدود ۴۴ درصد در سطح متوسط آن قرار دارند. چنین توزیعی در مراتب مشارکت مذهبی - خیریه‌ای (میانگین ۲/۹۳) نشان‌دهنده گرایش بیشتر زنان به مشارکت در این گونه فعالیت‌هاست. اختلاف نظر میان زنان نیز نسبتاً کم و انحراف معیار برابر با ۰/۹۰ است.

جدول ۸. گویه‌های متغیر «مشارکت مذهبی- خیریه‌ای» و میزان شرکت زنان در آنها

تعداد	آماره‌ها			میزان مشارکت (درصد و تعداد)					گویه‌ها
	انحراف معیار	میان	میانگین	اصلاً	کم	گاهی	بیشتر اوقات	به طور مرتب	
۱۴۶۹	۱/۱۰	۳/۰۰	۳/۰۴	۱۱/۳ ۱۶۶	۱۴/۴ ۲۱۱	۴۳/۴ ۶۳۸	۲۰/۴ ۲۹۹	۱۰/۶ ۱۵۵	۱. کارهای خیریه (نظیر کمک به فقرا)
۱۴۶۲	۱/۲۲	۳/۰۰	۲/۸۷	۱۸/۵ ۲۷۰	۱۵/۶ ۲۲۸	۳۶/۵ ۵۳۴	۱۸/۹ ۲۷۶	۱۰/۵ ۱۵۴	۲. هیئت‌ها، روضه‌ها، سفره‌ها، جلسات قرآن و جشن‌های مذهبی
۱۴۳۲	۱/۰۸	۱/۰۰	۱/۸۸	۵۲/۴ ۷۵۰	۱۶/۶ ۲۳۸	۲۳/۶ ۳۳۸	۵/۰ ۷۲	۲/۴ ۳۴	۳. برنامه‌های خیریه جهیزیه برای خانواده‌های نیازمند
۱۴۱۸	۰/۹۰	۳/۰۰	۲/۹۳	۴/۵ ۶۴	۲۶/۹ ۳۸۲	۴۳/۹ ۶۲۲	۲۰/۵ ۲۹۱	۴/۲ ۵۹	مراتب مشارکت مذهبی- خیریه‌ای

### نتیجه‌گیری

با هدف پاسخگویی به دو پرسش مربوط به انواع مشارکت اجتماعی زنان و عوامل مرتبط با مشارکت نزد گروه‌های گوناگون زنان شهر تهران، بخشی از یافته‌های پژوهش بازمینی شد.

بنا بر یافته‌های پژوهش، میانگین مشارکت مدنی (شرکت در سازمان‌های صنفی و کارگری، سازمان‌های غیردولتی، گروه‌ها و احزاب سیاسی، تعاونی‌ها، و همکاری با سازمان‌ها) بسیار پایین‌تر (۱/۵۴) و میانگین مشارکت مذهبی- خیریه‌ای (شرکت در کارهای خیریه، هیئت‌ها، روضه‌ها، سفره‌ها، جلسات قرآن و جشن‌های مذهبی و برنامه‌های خرید جهیزیه برای خانواده‌های نیازمند) بسیار بالاتر (۲/۹۳) از سایر انواع

مشارکت است. در مورد انواع مشارکت مورد بررسی، این نکته از اهمیت اساسی برخوردار است که غیر از مشارکت مذهبی- خیریه‌ای، میانگین تمام انواع مشارکت در سطح کمتر از متوسط (۲/۵۰) قرار دارد که نشان‌دهنده گرایش بسیار اندک زنان جامعه مورد بررسی به مشارکت اجتماعی است. باید توجه داشت که میانگین مشارکت مذهبی- خیریه‌ای نیز اندکی بالاتر از سطح متوسط است که با توجه به محورهای خاص آن (کارهای خیریه، هیئت‌ها، روضه‌ها، سفره‌ها، جلسات قرآن و جشن‌های مذهبی و برنامه‌های خرید جهیزیه برای خانواده‌های نیازمند)، نمی‌توان آن را در سطحی متناسب و امیدوارکننده به مشارکت اجتماعی زنان قلمداد کرد.

جدول ۹. انواع مشارکت اجتماعی و میزان شرکت زنان در آنها

گویه‌ها	میزان مشارکت (درصد)					
	به طور مرتب	بیشتر اوقات	گاهی اوقات	کم	اصلاً	میانگین
مشارکت در فعالیت‌های انقلابی	۱/۲	۵/۹	۱۹/۶	۴۴/۸	۲۸/۶	۲/۰۶
مشارکت مدنی	۰	۰/۹	۶/۹	۳۷/۹	۵۴/۳	۱/۵۴
مشارکت حمایتی	۰/۸	۲/۱	۹/۲	۳۳/۹	۵۴/۱	۱/۶۱
مشارکت فرهنگی- تفریحی	۲/۹	۱۱/۶	۲۸/۵	۴۰/۱	۱۷/۰	۲/۴۳
مشارکت محلی	۱/۶	۱۱/۹	۴۰/۵	۴۰/۵	۵/۴	۲/۶۴
مشارکت مذهبی- خیریه‌ای	۴/۲	۲۰/۵	۴۳/۹	۲۶/۹	۴/۵	۲/۹۳
مشارکت اجتماعی	۰/۳	۱/۸	۲۸/۷	۶۸/۹	۰/۸	۲/۳۲

براساس یافته‌های پژوهش، میزان مشارکت اجتماعی زنان شهر تهران در سطح پایینی قرار دارد؛ به طوری که ۳۸ درصد آنان در منفعل‌ترین گروه قرار می‌گیرند که از میان انواع مشارکت، به مشارکت فرهنگی- تفریحی و مذهبی- خیریه‌ای در سطحی

متوسط مبادرت می‌ورزند. ۳۱ درصد از زنان عمدتاً در فعالیت‌های مذهبی- خیریه‌ای و محلی مشارکت دارند. گروه سوم شامل ۱۴ درصد از کل زنان جامعه آماری است که بیشتر از تمامی گروه‌ها در فعالیت‌های فرهنگی- تفریحی و مذهبی- خیریه‌ای مشارکت دارند. حدود ۱۶ درصد از زنان نیز که مشارکت‌جوترین زنان جامعه مورد بررسی هستند بیشتر به مشارکت‌های مذهبی- خیریه‌ای، محلی و انقلابی گرایش دارند.

بدین ترتیب، حدود ۷۰ درصد زنان در جامعه مورد بررسی مشارکتی در سطح پایین دارند و تنها ۳۰ درصد در سطح مشارکتی نسبتاً بالا هستند و می‌توان آنها را جزو فعالان اجتماعی محسوب کرد. در این گروه، عمده‌ترین نوع مشارکت فرهنگی- تفریحی و مذهبی- خیریه‌ای است. افزون بر این، مشارکت اجتماعی بیشتر بر مشارکت‌های سنتی متمرکز است که از گذشته‌های دور براساس فرهنگ جامعه ایرانی وجود داشته است.

تحلیل مجدد مهم‌ترین یافته‌های پژوهش گویای این است که زنان شهر تهران هنوز به صورت بارز وارد مرحله گذار از سنت به مدرنیته نشده‌اند و در نخستین گام‌های این فرایند قرار دارند؛ به طوری که در سال گذشته، فقط کمتر از نیمی از زنان مشارکت خود را در حاشیه یک کار گروهی و نه پذیرش مسئولیت کامل اعلام کرده‌اند. نتیجه آنکه، با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها و شرایط، به نظر می‌رسد که زنان شهر تهران در شرایط کنونی کمتر درصدد ارتقای میزان و نوع مشارکت خود در جامعه هستند و مشارکت‌های اجتماعی آنها تابعی از وضعیت فعالیت و اشتغال آنهاست. چکیده یافته‌های پژوهشی درباره انواع و میزان مشارکت در میان گروه‌های اجتماعی که در جدول ۱۰ ارائه شده است به خوبی این مطلب را نشان می‌دهد.

در حالی که میزان مشارکت همه زنان به طور کلی بسیار پایین است (آند، ۲۰۰۲: ۳۹)، زنان جوان‌تر مشارکت اجتماعی بیشتری از نوع فرهنگی- تفریحی در مقایسه با سایر گروه‌ها دارند. این نوع از مشارکت اجتماعی شامل فعالیت‌های فرهنگی- هنری،



ورزشی، دوره‌های هم‌کلاس‌ها و دوستان قدیم و انجمن‌های علمی است. در مقابل، مسن‌ترها مشارکت مذهبی- خیریه‌ای و همچنین مشارکت محلی را بیشتر ترجیح می‌دهند.

جدول ۱۰. مقایسه نوع و میزان مشارکت نسبی بالاتر در میان گروه‌های اجتماعی زنان

ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی	انقلابی	مدنی	حمایتی	فرهنگی	محلی	مذهبی
سن				*		
جوان‌ترها						
مسن‌ترها				*	*	*
محل تولد						
تهرانی						
غیرتهرانی	*				*	*
تأهل						
بدون همسر بر اثر فوت	*				*	*
بدون همسر بر اثر طلاق		*			*	*
تحصیلات				*		
بالاتر		*	*			
پایین‌تر	*				*	*
وضعیت فعالیت						
غیرفعال (خانه‌دار)	*				*	*
فعال		*	*	*		
اشتغال						
شاغل		*				
صاحبان درآمد بدون کار			*		*	*
محصلان				*		

با توجه به وضعیت تأهل مشخص می‌شود که زنان بدون همسر به طور کلی مشارکت محلی بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها دارند. این موضوع ناشی از پذیرش مسئولیت سرپرستی خانواده است. تفاوت میان زنان بدون همسر بر اثر طلاق و فوت در نوع مشارکت‌های آنها نشان می‌دهد که گروه زنان سرپرست خانوار بر اثر طلاق مشارکت مدنی بیشتری دارند که شامل سازمان‌های صنفی و کارگری، سازمان‌های

غیردولتی و تعاونی‌هاست که این امر ناشی از وضعیت اشتغال این گروه از زنان است. گروه زنان بدون همسر بر اثر فوت، مشارکت انقلابی (نماز جمعه، راهپیمایی‌ها و تظاهرات، نماز جماعت و فعالیت‌های بسیج) بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها دارند. در مورد متغیرهای تحصیلات و وضعیت فعالیت، مشخص است که تحصیلات بیشتر گروه جمعیت فعال و شاغل، آنها را به سوی مشارکت‌های مدنی، حمایتی و فرهنگی سوق داده است.

در پاسخ به پرسش دوم مقاله در مورد عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی زنان، براساس یافته‌های ارائه‌شده (جدول ۱۱) می‌توان نتیجه‌گیری کرد که دو عامل ارتباط بارزی با نوع و میزان مشارکت اجتماعی زنان دارند.

جدول ۱۱. عوامل مرتبط با نوع و میزان مشارکت اجتماعی زنان

عوامل مرتبط	انقلابی	مدنی	حمایتی	فرهنگی	محلی	مذهبی
۱. شأن فعالیت‌های انقلابی- مذهبی	*					
۲. امنیت در مجامع رسمی	*				*	
۳. شأن فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی		*				
۴. خودآثربخشی			*	*		
۵. دسترسی به رسانه‌ها			*	*		
۶. شأن فعالیت‌های فرهنگی- حمایتی					*	
۷. وضعیت تأهل					*	*
۸. اعتماد به دیگران					*	
۹. علاقه به مشارکت محلی					*	
۱۰. احساس تقید مذهبی						*

بدین ترتیب، وضعیت تأهل، احساس خودآثربخشی و دسترسی به رسانه‌ها در دو نوع از مشارکت‌ها و ارتقای میزان آنها تأثیرگذارند. وضعیت تأهل با مشارکت‌های

محلی و مذهبی، و دسترسی به رسانه‌ها و خودآثربخشی با ضریب بالاتری با مشارکتهای حمایتی و فرهنگی ارتباط دارند. اما دو متغیر احساس امنیت (مورد ۲) و شأن (موارد ۱، ۳ و ۶) از مهم‌ترین عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی زنان شهر تهران هستند.

## منابع

- پیران، پرویز (۱۳۷۶)، «مبانی مفهومی مشارکت زنان روستایی»، *گردهمایی زنان، مشارکت کشاورزی ۱۴۰۰*، ج ۱، تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی.
- جباری، حبیب (۱۳۸۰)، *مشارکت و توسعه اجتماعی*، تهران: انتشارات علمی- فرهنگی.
- رنجبر، رقیه (۱۳۷۶)، بررسی راه‌های جلب مشارکت زنان در تعاونی‌های آموزش و پرورش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۲)، «مشارکت مردم و مدیریت آبخیزها»، *جهاد*، س ۱۳، ش ۱۶۲، ص ۷-۹.
- محمدی، مجید (۱۳۷۴)، «مشارکت و بیعت»، *ماهنامه جامعه سالم*، س ۵، ش ۲۴، ص ۴-۲.
- Anand, Jaya S. (2002), "Self-help Groups in Empowering Women: Case Study of Selected SHGs and NHGs", Kerala Research Program on Local Level Development, Bangladesh: Center for Development Studies, Discussion Paper No. 38, pp. 1-76.
- Guijt, Irene and Meera Kaul Shah (eds.) (1998), *The Myth of Community, Gender Issues in Participatory Development*, UK: Intermediate Technology Publications Ltd.
- Huynh Cao Tri (1982), *Participate in Development*, Paris: UNESCO.
- Lineberry, P. Welliam (1989), *Assessing Participatory Development*, London: West View Press.
- Lipset, S.M. (1968), *Political Man*, New York: Free Press.
- Maguire, P. (1996), "Proposing a More Feminist Participatory Research; Knowing and Being Embraced Openly", in: K. de Koning and M. Martin (eds.), *Participatory Research in Health: Issues and Experiences*, London: Zed Books, pp. 27-39.
- Midgeley, J. (1962), *Community Participation*, London: Methuen.
- Wee, Vivienne and N. Heyzer (1995), *Gender, Poverty and Sustainable Development: Towards a Holistic Framework of Understanding and Action*, Malaysia: Percetakan Advanco Sdn Bhd.
- Wilson, J. (1990), "Public Work and Social Participation: The Case of Women", *Sociological Quarterly* 13 (1): 107-120.